

## مشوره نه مذاکرات صلح با طالبان

از مدتی است که سر و صدا هایی در مورد مذاکرات صلح با طالبان براه انداخته شده و شورای عالی صلح افغانستان هم گاه گاهی صدا بلند می کند که تماس هایی با طالبان در جریان بوده است و آقای ربانی رئیس این شورا سفر هایی هم که ارتباطات تنگاتنگ با حلقه های پاکستانی دارد که نقش عمده در نا آرامی های افغانستان دارد، داشته اند.

سفر های به پاکستان و کنفرانس هایی با مقامات آنجا داشته است. از جانب دیگر ایالات متحده که نقش کلیدی در رابطه با اوضاع منطقه دارد هم بر این مذاکرات و همکاری پاکستان در آوردن صلح در افغانستان تأکید دارد. در اوایل امسال بود که مامورین پاکستانی در جریان سفری به افغانستان تشکیل "یک گروه مرکزی" بشمول ایالات متحده - افغانستان و پاکستان را نمودند تا در رابطه با آوردن صلح در افغانستان همکاری نزدیک نمایند. تا کنون این گروه چهار بار جمع شده اند و قرار است بار پنجم در نیویارک ببینند. این که تا کنون نتیجه ای از این گردهمایی ها بدست آمده باشد مشهود نیست ولی یک چیز آشکار است و آن هم شدت عملیات طالبان و ترور شخصیت های مطرح در امور امنیتی و سیاسی افغانستان.

گفتیم گفت و گوی مقامات افغانستان با بعضی از نمایندگان طالبان نه مذاکره. شاید این سوال مطرح گردد که چه تفاوتی بین "گفت و گو" و "مذاکره" وجود دارد؟ گفت و گو ها بین دو جانب معمولاً شکل تماس عادی را دارد بدون اینکه روی پیشنهادات و نقاط نظر مشخص بحث شود ولی "مذاکره" به معنی واقعی آنست که نمایندگان با صلاحیت دوجانب با پیشنهادات و آجندای مشخص می نشینند و هر یک، مواد آجندای مورد بحث را بر رسی نموده و روی آن تصمیم میگیرند.

داکتر رنگین دادفر سینتا مشاور امنیت ملی افغانستان اخیراً در مصاحبه با بخش فارسی بی بی گفت "گفت و گو هایی در سطوح مختلف میان حکومت و برخی از نمایندگان طالبان وجود دارد. ولی هیچگونه گفت و گوهایی که برای آوردن صلح باشد صورت نگرفته که نمایندگان با صلاحیت در آن شرکت کرده باشند ولی در سطح مشوره وجود دارد و مشکل است گفته شود که در کدام سطح است."

از این اظهارات آقای سینتا چنین بر می آید که عملیه ای تا کنون آغاز نگردیده و هنوز هم آنها در حال مشوره هستند در حالیکه هر روز ترور ها و حملات انتحاری قربانی میگیرد و عملیات نظامی تعدادی از بیگناهان را به دیار نیستی می سپارد ولی طوریکه از گفتار آقای سینتا بر می آید باز هم پاکستان به بازی های دوگانه خود ادامه داده و طالبان را نمی گذارد در گفت و گو های جدی اشتراک کنند. آنجا که میگوید "گفتگوی جدی زمانی معنی دارد و با مفهوم خواهد شد که جمهوری اسلامی پاکستان به عنوان بانی/تمویل کننده و حمایت کننده طالبان به طالبان اجازه بدهد و طالبان را وادار کند که بصورت رسمی با ما گفت و گو کنند"

در اینجا باز هم از نگاه یکی از با نفوذ ترین و موثر ترین کسان در طرح پالیسی های دولت و مناسبات افغانستان با جهان و براه انداختن عملیه صلح، بازی دو گانه پاکستان ادامه می یابد و از یک جانب "گروه مرکزی" را پیشنهاد میکند و از جانب مانع گفت و گو های "با مفهوم" طالبان با افغانستان میگردد. داکتر سینتا که در صراحت لهجه در سیاست شهرت یافته است درین مورد که پاکستان بالاخره طالبان را وادار خواهد ساخت که به گفت و گو های جدی بنشینند میگوید: "تجربه سیاسی در بر خورد با طالبان و تروریزم و القاعده به من آموخته که بد بین باشم" از جانی هم دو کنفرانس عمده در رابطه با افغانستان پیشروست یکی کنفرانس استانبول که در ماه نومبر در شهر استانبول ترکیه به میزبانی ترکیه دایر میشود و دران همسایه های افغانستان دعوت شده اند تا عمدتاً روی عدم مداخله در امور افغانستان، توسعه حاکمیت، ثبات و صلح و همکاری های اقتصادی، سرمایه گذاری و همکاری های تنخیکتی مذاکره نمایند. این کنفرانس بیشتر روی منافع اقتصادی منطقه که با ثبات سیاسی و صلح منظفوی ارتباط تنگاتنگ دارد بحث خواهد کرد.

کنفرانس دوم بن که در ماه دسمبر به میزبانی جرمنی و رهبری افغانستان دایر میشود از نود وزیر خارجه و سازمان بین المللی دعوت شده تا درین کنفرانس اشتراک کنند. درین کنفرانس نیز روی همکاری جامعه جهانی با افغانستان تا سال ۲۰۲۴ مباحثاتی صورت خواهد گرفت و سعی ایالات متحده آمریکا و سایر مجامع بشمول افغانستان اینست که

چهل و دو کشور عضو ائتلاف در افغانستان پس از خروج عساکر شان از افغانستان قسمتی از کاهش مصارف نظامی شان را به انکشاف امور اقتصادی این کشور و سرمایه گذاری در بخش های مختلف بمصرف برسانند.

دولت افغانستان به صراحت اعلام نموده که به جز هیأت رسمی افغانستان هیچ هیأت دیگری بنام افغان در این کنفرانس اشتراک نخواهد داشت. و طالبان هم درین کنفرانس حضور رسمی نخواهند داشت. ولی تعدادی از به اصطلاح نهاد های مدنی افغانستان فشار آورده اند که طالبان هم باید درین کنفرانس اشتراک داشته باشند. موقف افغانستان و ایالات متحده درین زمینه روشن است و آن اینکه طالبان در کنفرانس دوم بن اشتراک نخواهند داشت. ولی سوال اینست که چرا؟ ببینید طالبان بحیث یک گروه دهشت افگنی شناخته شده که روزانه ده ها بیگناه مظلوم و آنانی که سعی دارند مصدر خدمتی به مردم ستم دیده و جنگ زده شان گردند و وطن ویران شانرا آباد کنند با حملات انتحاری به قتل میرسانند و حتی به کار مندان صحتی و اطفال مکتب ها هم رحم نمیکنند و بر شفاخانه ها و مکاتب حمله میکنند و از جانب دیگر رهبران آنها بحیث حامیان دهشت افگنی شناخته شده و تحت تعقیب قانونی قرار دارند. با دعوت نمودن این گروه که به استناد سخنان آقای سپینتا پاکستان "بانی، حامی و تمویل کننده" آنهاست آیا بمعنی رسمیت دادن به نقش آشکار پاکستان در امور داخلی افغانستان خواهد بود و ادعای افغانستان را مبنی بر دهشت افگنی های آنها و قتل و قتل شان بی بنیاد نخواهد ساخت؟

این بدان معنی نباید تلقی گردد که با هیچ طالبی نباید گفت و گو نمود و این هم نباید نا دیده گرفته شود که تعدادی از این طالبان افغانهای فریب خوردگانی هستند که یا به دلیل نا رضایتی و یا فقر اقتصادی و یا هم تعلقات/ در صف آنانی قرار گرفته اند که دست به ویرانی و ترور می زنند. همانطوریکه بار ها اعلام گردیده اگر آنها دست از اسلحه بر دارند، قانون اساسی افغانستان را بپذیرند و با القاعده و آی اس آی پاکستان قطع علاقه کنند وطن و وطنداران شان آنانرا به آغوش گرم استقبال خواهند کرد.

و اما وقتی به مصاحبه مارک گروسمن نماینده خاص ایالات متحده برای افغانستان و پاکستان با تلویزیون آشنا صدای امریکا گوش میدهم ضمن تاکید بر اهمیت کنفرانس های استانبول و بن برای حل معضله افغانستان و همچنان انکشاف اقتصادی و فشار آوردن بر همکاری های اقتصادی و انکشافی جهان برای افغانستان از سال ۲۰۱۴ تا سال ۲۰۲۴ ابراز امیدواری میکند که "پاکستان به حمایت خود از مصالحه بین افغانها ادامه دهد" از این اظهارات او چنین بر می آید که بر عکس افغانستان ایالات متحده خوشبین است که پاکستان از عملیه صلح افغانستان حمایت دارد در حالیکه شنیدیم و دیدیم که مشاور امنیت ملی افغانستان در مورد نیت پاکستان در مورد وادار ساختن طالبان به مذاکرات جدی بد بین بود.

ایالات متحده مثل هر کشور دیگر در تصامیمش مخصوصاً در رابطه با مسایل خارجی و بین المللی منافع ملی خود را ترجیح میدهد و باید هم چنین نماید وظیفه تمام دولت هاست که منافع ملی شانرا ترجیح دهند حالا این مربوط به دولت افغانستان است که نگذارد منافع ملی افغانستان پایمال منافع دیگران گردد.

از کودتای سال ۱۹۷۸ کمونیستی در افغانستان/ در پاکستان با طرح پالیسی های دور اندیشانه به نفع سیاستهای شئون طلبانه تلاش نمود با استفاده از حضور میلیونها مهاجر افغان و تشکیل گروه ها و تنظیم های دلخواهش نقش برادر بزرگتر را برای افغانستان بازی کند و تا اندازه هم از خیرات سر تنظیم ها دست چین مؤفق گردید مخصوصاً در دوران اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی سابقه. درین زمان بود که ضیالحق زمدار نظامی پاکستان با طرح سیاسی "عمق ستراتیژیک" توانست پالیسی هایش را یکی بعد دیگری با نیرنگهای سیاسی خاصی که آموخته بود عملی نماید. در آن دوران به استناد نوشته احمد رشید ژورنالیست و محقق شناخته شده پاکستان هیچ یک از مامورین خارجی و همه آنانی که در جهاد افغانستان علیه اشغالگران کمک میکردند اجازه نداشتند با رهبران تنظیم ها مذاکره و حتی ملاقات نمایند و زمام امور را به تمام معنی پاکستان در اختیار گرفته بود. پاکستان بود که از افغانستان در هر مجمع منطوقی و بین المللی نمایندگی میکرد چنانچه وقتی عضویت افغانستان در سازمان کنفرانس اسلامی به حالت تعلیق در آورده شد رهبران تنظیم های مقیم پاکستان در پهلوی هیات پاکستانی در جلسات آن اشتراک میکردند. و زمانیکه معاهده ژنیو در چهاردهم اپریل سال ۱۹۸۸ برای ختم حضور عساکر اتحاد شوروی سابقه از افغانستان و قطع کمک های نظامی برای حکومت نجیب الله از جانب اتحاد شوروی و مجاهدین از جانب غرب امضا شد/ این معاهده را تحت نظر دیگو کوردوویز/ ایدوارد شیورد نادره وزیر خارجه اتحاد شوروی آن زمان به نمایندگی از کشورش / جارج شولتز وزیر خارجه ایالات متحده به نمایندگی از این کشور و عبدالوکیل وزیر خارجه حکومت نجیب و همچنان وزیر خارجه پاکستان امضا کردند و از جانب گروه مقاومت که همان تنظیم های مجاهدین بود هیچ کس حتی بحیث ناظر هم وجود نداشت چون از همان ابتدا پاکستان خود را بحیث نماینده افغانها تحصیل نموده بود و هیچ یک از این رهبران جرأت مطرح نمودن این سوال که چرا پاکستان از آنها نمایندگی نماید/ نداشتند.

شاید حالا هم پاکستان تخیل سالهای ۱۹۸۰ را نماید و خواب نمایندگی از مخالفین را در مذاکرات صلح داشته باشد که نمی گذارد نمایندگان طالبان در مذاکرات جدی با حکومت افغانستان بنشینند تا آنکه خودش از آنها نمایندگی کند و بخواهد نیات آزمندانه اش را بار دیگر مثل معاهده ژنیو این بار بر حکومت افغانستان بقبولاند. اگر موقف گیری های حقیر مآبانه حکومت افغانستان در برابر طالبان و حامیان آنها در پاکستان به هیمن منوالی باشد که اکنون به مشاهده میرسد شکی باقی نخواهد ماند که حکومت کابل بجای مذاکرات مستقیم با طالبان در یک عملیه صلح کاملاً افغانی/ آنطوریکه متحدین افغانستان از جمله ایالات متحده تأکید دارند/ با حامیان آنها در پاکستان بنشینند و با آنها صلح کند ولی اگر پاکستان واقعا چنین تصویری داشته باشد و به چنین خواب و رویای دور از واقعیت فرو رفته باشد / باید کشته شدن بن لادن در جوار پایگاه نظامی آن در ایت آباد و تثبیت لانه های دهشت افگنی و تروریستی در داخل خاک پاکستان آنرا از خواب غفلت بیدار کرده باشد و اگر حکومت کابل تصور نماید که بهتر است با پاکستان کنار آمد تا با طالبان/ باید با کشته شدن مامورین عالی رتبه و نزدیکان آقای کرزی/ حکومت را چنان تکان داده باشد که هر گونه وهم گرائی و تخیل و تصور را زایل و چشم بصیرت را چنان باز نموده باشد که آینده را چون آفتاب تابان دیده بتوانند.

پایان